

دعای توبه

دعای 31

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ

خدایا ای که وصفش نکند توصیف وصف کنندگان و ای که از او نگذرد امید

الرَّاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى

امیدواران و ای که تباه نشود در نزدش مزد نیکوکاران و ای که اوست سرحد نهایی

خَوْفِ الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ، هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ

ترس عبادت کنندگان و ای که اوست غایت بیم پرهیزکاران این است جایگاه کسی که دست بدستش داده اند

أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتُهُ أَرْمَهُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحَوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ

دست های گناهان و کشانده اند او را مهارهای خطاها و چیره شده بر او شیطان و بدین سبب کوتاهی کرده

عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا، كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ

از دستورات از روی کاهلی و دست زده بدانچه نهی کردی از غرور چون کسی که خبر ندارد از قدرتی که تو

عَلَيْهِ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى،

بر او داری یا مانند کسی که منکر فزونی احسان تو بر خود است تا چون چشم بصیرتش گشوده شد

وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَى، أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَرَ فِيمَا خَالَفَ

و ابرهای گمراهیش برطرف شد ستم های خود را بر خویشتن برشمرد و در آنچه مخالفت پروردگارش را کرده

بِهِ رَبِّهِ، فَرَأَى كَبِيرَ عَصْيَانِهِ كَبِيرًا، وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا، فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ

اندیشه کرد و نافرمانی بزرگش را بزرگ دید و مخالفت عظیم خود را عظیم پس رو آورده بسویت

مُؤْمَلًا لَكَ، مُسْتَحِيًّا مِنْكَ، وَ وَجَهَ رَغْبَتِهِ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ، فَأَمَّاكَ بِطَمَعِهِ

امیدوار به تو و شرمنده و روی اشتیاقش را به تو متوجه کرد از روی اعتماد به تو و از روی یقین با طمعش

يَقِينًا، وَقَصْدَكَ بِخَوْفِهِ اخْلَاصًا، قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ

آهنگت کرده و از روی اخلاص با ترس قصد تو کرده طمعش از هر مورد طمعى جز تو

غَيْرِكَ، وَأَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ، فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ

بریده و از هر ترسناكى جز تو نمى ترسد پس مجسم شده در برابر تو

مُتَضَرِّعًا، وَغَمَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا، وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ

با تضرع و دوخته است چشم خود را بر زمین با حال خشوع و برای عزت با خواری سر بزیر

مُتَذَلِّلًا، وَأَبْثَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ

ما افکنده و فاش کرده راز خود را برای آن رازی که تو خود داناترى بدان با حال خضوع و برشمرده از گناهانش آنچه را

أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَأَسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ،

تو بهتر شمرده اى با خشوع، و استغاثه کند به تو از گناه بزرگى که در علم تو او را تباه ساخته

وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ، مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرْتَ لَذَاتِهَا فَذَهَبَتْ،

و زشتى آنچه در حکم تو او را رسوا کرده، گناهانى که خوشیش رفته

وَأَقَامَتْ تَبَعَاتُهَا فَلَزِمَتْ، لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظِمُ

و مسئولیتش بجا مانده، معبودا اگر عقابش کنى منکر عدل تو نیست و اگر از او درگذرى

عَفْوُكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ

و رحمش کنى گذشتت را بزرگ نداند زیرا تو پروردگار کریمى هستى که بزرگ نباشد در نزدش

غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ، اَللّٰهُمَّ فَهَآ اَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لَا مَرِكَ فِيمَا اَمَرْتَ

آمرزش گناه بزرگ خدایا من اکنون آمده ام بدرگاهت و فرمانبردارم دستوری را که فرمودی

:بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنْ الْاَلْجَابِهِ، اِذْ تَقُولُ

در دعا کردن و خواهانم وفای به وعده ات را در اجابتی که وعده دادی چون که فرمودی

اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَاَلْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ

بخوانید مرا تا اجابت کنم» خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش و با آمرزشت به من روآور»

كَمَا لَقَيْتَكَ بِاِقْرَارِي، وَاَرْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ

چنانچه من با اقرار (به گناه) به تو رو آوردم و بردار مرا از افتادن گاه های گناه چنانچه خود را برای

نَفْسِي، وَاَسْتَرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْاِلَهِ تَتَّقَامِ مِنِّي، اَللّٰهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِي

پست کردم و به پوشش خود مرا بپوشان چنانچه مهلتم دادی از انتقام خدایا نیتم را در

طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَ اَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي، وَ وَفِّقْنِي مِنَ الْاَعْمَالِ لِمَا

اطاعتت ثابت گردان و بینایم را در بندگیت محکم کن و به کارهایی موفقم دار که

تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي، وَ تَوْفِّقْنِي عَلٰى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

بشویی بدان چرکی خطاها را از من و بمیرانم بر کیش خود و کیش پیامبرت محمد

عَلَيْهِ السَّلَامُ اِذَا تَوَفَّيْتَنِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتُوبُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ

علیه السلام آنگاه که بمیرانی مرا خدایا من در این جایگاهم بدرگاهت توبه کنم از گناهان

ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِي

کبیره و صغیره ام و از بدی های پوشیده و آشکارم و از لغزش های گذشته

وَ حَوَادِثِهَا، تَوْبَهُ مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَلَا يُضْمِرُ اَنْ يَعُودَ فِي

و تازه ام توبه کسی که به خود تلقین نکند تجدید گناهی را و در دل نگیرد که دوباره به

خَطِيئَةٍ، وَقَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ، إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ

خطایی بازگردد و تو ای خدای من در کتاب محکمت فرمودی که توبه را از بندگان می پذیری

عِبَادِكَ، وَ تَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوَّابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا

و از بدی ها می گذری و دوست داری توبه کاران را پس چنانچه وعده فرمودی توبه ام بپذیر

وَعَدْتَ، وَاعْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمَنْتَ، وَ أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا

و از بدی هایم در گذر چنانچه ضمانت کردی و مقرر دار برایم دوستیت را چنانچه

شَرَطْتَ، وَلَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي إِلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ، وَ ضَمَانِي إِلَّا شَرَطَ

فرمودی و من با تو شرط می کنم که در کار ناپسند تو بازنگردم و ضمانت کنم که بازنگردم

أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَ عَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ

در امر نکوهیده ات و تعهد کنم که ترک کنم تمام نافرمانیهایت را خدایا تو داناتری

بِمَا عَمِلْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَ اصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ،

بدانچه کرده ام بیامرز گناهای را که از من دانی و بگردانم به نیرویت بدانچه دوست داری

اللَّهُمَّ وَ عَلَى تِبْعَاتٍ قَدْ حَفِظْتَهُنَّ، وَ تِبْعَاتٍ قَدْ نَسِيتَهُنَّ، وَ كُلِّهِنَّ بِعَيْنِكَ

خدایا بر من بازخواست هایی است که به یاد دارم و بازخواست هایی است که فراموش کرده ام و همه در برابر دیده توست

الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عَلِمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى، فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ احْطُطْ عَنِّي

که خواب نرود و علمت که فراموشی ندارد عوض آنها را به صاحبانش بده و سنگینیش را

وِزْرَهَا، وَ خَفِّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا، وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا، اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ

از دوش من بردار و سبک کن گرانش را و نگاهم دار از ارتکاب امثال آن خدایا جز

لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ

به نگهداری تو نتوانم به توبه ام وفا کنم و جز به نیروی تو نتوانم خود را از خطا نگهدارم

قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيهِ، وَتَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعِهِ، اَللَّهُمَّ اَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ

پس تقویت کن به نیرویی کافی و سرپرستیم کن به نگهداری بازدارنده خدایا هر بنده ای که توبه کند

إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَعَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ

بدرگاهت ولی در علم غیب نزد تو توبه شکن باشد و بازگردنده به گناه

وَخَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا

و خطایش باشد من به تو پناه برم که چنین باشم و این توبه ام را چنان کن که

أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَالسَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ،

محتاج باشم دوباره توبه کنم، توبه ای که سبب شود گناهان گذشته ام محو گردد و در آینده نیز آلوده نگردم

اَللَّهُمَّ اِنِّي اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي، وَاسْتَوْهِبْكَ سُوءَ فِعْلِي، فَاضْمَنْنِي اِلَى

خدایا من از تو پوزش خواهم از نادانیم و از تو بخشش خواهم از کار بدم پس به احسان خود

كَفِّ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً، اَللَّهُمَّ وَ اِنِّي اَتُوبُ

مرا در پناه رحمت درآور و به فضل در پرده عافیت بیوشانم خدایا من بدرگاهت توبه کنم

اِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ ارَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي،

از هر چه مخالف اراده ات کردم یا بیرون از دوستیت از خطرات دلم و

وَلَحَظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي، تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى

نگاه های چشمم و سرگذشت های زبانم توبه ای که سالم ماند بدان هر عضوی

حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ،

جداگانه از کيفرهای تو و ایمن گردد از آنچه تجاوز کاران می ترسند از سطوت های دردناکت

اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدِّثِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ وَجِبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ،

خدایا رحم کن به تنهاییم در برابرت و طپیدن دلم از ترست

وَاضْطْرَابِ اَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ اَقَامْتَنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ

و لرزش اندامم از هیبت که برپا داشته پروردگارا گناهانم مرا بدرگاه تو در جای

بِفَنَائِكَ، فَاِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي اَحَدٌ، وَ اِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاَهْلِ

رسوایی پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نکند و اگر شفاعت خواهم شایسته

الشَّفَاعَةِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ شَفِّعْ فِيْ خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَ عُدْ

شفاعت نیستم خدایا درود فرست بر محمد و آلش و شفیع گردان در خطاهایم بزرگواریت را و ببخش

عَلٰى سَيِّئَاتِيْ بِعَفْوِكَ، وَ لَا تَجْزِنِيْ جَزَاءِيْ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ اَبْسُطْ عَلٰى

گناهانم را به گذشتت و پیاداشم که عذاب تو است پیاداشم مده و احسانت را بر من

طَوْلِكَ، وَ جَلِّلْنِيْ بِسِتْرِكَ، وَ اَفْعَلْ بِيْ فِعْلَ عَزِيْزٍ تَضَرَّعَ اِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيْلٌ

بگستران و به پرده پوشیت بیوشانم و رفتار کن با من به رفتار نیرومندی که زاری کند بدرگاهش بنده خوار

فَرَحِمَهُ، اَوْ غَنِيْ تَعَرُّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيْرٌ فَنَعَشَهُ، اَللّٰهُمَّ لَا خَفِيْرَ لِيْ مِنْكَ

و رحمش کند، یا بی نیازی که بنده نیازمندی به نزدش رفته و بی نیازش کرده خدایا پناه دهی از تو ندارم

فَلْيَخْفُرْنِيْ عَزُّكَ، وَ لَا شَفِيْعَ لِيْ اِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِيْ فَضْلُكَ، وَ قَدْ اَوْجَلْتَنِيْ

و باید نیروی تو پناهم دهد و شفیی ندارم و فضل تو باید شفیعم گردد و خطاهایم به سختی

خَطَايَايَ، فَلْيُوْمِنِّيْ عَفْوُكَ، فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّيْ بِسُوءِ

مرا ترسانده و گذشتت باید ایمنم گرداند و هر چه گفتم چنان نیست که همه از روی نادانی به بدکاریم باشد

أَثَرِي، وَلَا نَسِيَانٍ لِّمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فَعَلِي، لَكِنْ لَتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَمَنْ

و نه از روی فراموشی کردار نکوهیده ام در گذشته بلکه برای آن که آسمانت و هر که فيها،

وَأَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا، مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ

در آن است و زمینت و هر که بر آن است اظهار پشیمانی مرا بدرگاهت بشنوند و پناهند گیم را

مِنَ التَّوْبَةِ، فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ

در توبه بسویت ببینند شاید برخی از آنها به رحمتت بر توففگاه بدم رحم کند یا برای

الرِّقَّةُ عَلَى لِسُوءِ حَالِي، فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي

، حال بدم دلش بسوزد و دعایی کند که نزد تو پذیرفته تر از دعای من باشد

أَوْ شَفَاعَهُ أَوْ كَدُّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي، تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ،

یا شفاعتی کند که مؤثرتر از شفاعت من باشد و همان وسیله نجات من از خشم

وَفَوْزَتِي بِرِضَاكَ، اَللّٰهُمَّ اِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً اِلَيْكَ فَآ نَا اَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَ اِنْ

و رسیدنم به خشنودیت گردد خدایا اگر پشیمانی توبه محسوب گردد من پشیمانترین پشیمانانم و اگر

يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ اِنَابَةً فَآ نَا اَوَّلُ الْمُتَنِبِّينَ، وَ اِنْ يَكُنِ الْاِسْتِغْفَارُ

ترک معصیت بازگشت حساب شود من نخستین بازگشت کننده ام و اگر آمرزش خواهی

حِطَّهُ لِلذُّنُوبِ فَاِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ،

گناهان را بریزد من از آمرزش خواهانم خدایا چنانچه دستور به توبه دادی

وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ، وَحَثَّتَ عَلَى الدُّعَاءِ وَ وَعَدْتَ الْاِجَابَةَ، فَصَلِّ عَلَى

و پذیرفتنش را ضمانت کردی و به دعا تشویق کردی و اجابتش را وعده دادی درود فرست بر

مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، وَ اَقْبِلْ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخِيَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ،

محمّد و آل محمّد و پذیر توبه ام را و بازم مگردان نومیدانه از رحمت

اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ عَلٰی الْمُذْنِبِيْنَ، وَالرَّحِيْمُ لِلْخَاطِيْنَ الْمُئِيْبِيْنَ، اَللّٰهُمَّ

که تو براستی توبه پذیری بر گنهکاران و مهرورزی به خطاکاران بازگشته خدایا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، کَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، کَمَا

درود فرست بر محمّد و آلش چنانچه بدو راهنماییمان کردی و درود فرست بر محمّد و آلش چنانچه

اسْتَقْدَتْنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

به وی نجاتمان دادی و درود فرست بر محمّد و آلش درودی که شفیع ما گردد در روز قیامت

وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيْرٌ.

و در روز نیازمندی به درگاهت که تو بر هر چیز توانایی و این کار بر تو آسان است.